

بررسی مفاهیم نماد شیرسنگی در همدان

عطیه دهقان زاده^۱، ثمین رستم‌بیگی^۲، ایلناز رهبر^۳

۱- کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه آزاد علوم تحقیقات

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد علوم تحقیقات

۳- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد علوم تحقیقات

چکیده

بنیان زندگی فرهنگی و اجتماعی جوامع باستانی در اساطیر آن‌ها متجلی است. اساطیری که ریشه پیدایش حیوانات و انسان‌ها در مجموعه نظام کیهانی را بیان می‌کند. نماد در ارتباط مستقیم با باورهای آیینی و مذهبی هنرمند بوده و به‌نوعی نهادینه کردن و به شکل کشیدن تصوراتی است که در ذهن وی ریشه دوانده و اعماق روح و جان او جای گرفته‌اند. نقش شیر همواره حاوی معانی و مفاهیم عمیق اسطوره‌ای و نماد بسیاری از خصوصیات برجسته انسانی به شمار رفته است. مقاله حاضر با انتصاب نماد شیر سنگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمادها که همواره در طول تاریخ هنر ایران حضور داشته به چگونگی شکل‌گیری مفاهیم متفاوت نماد شیر سنگی در همدان می‌پردازد. روش مطالعه به‌صورت توصیفی-تحلیلی و داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. بعد از بررسی منابع موجود این نتیجه به دست آمد که نماد شیر سنگی در همدان در طول تاریخ ابتدا دارای مفاهیم شجاعت و دلیری سپس نگهبان و امروزه به مفهوم باروری تغییر پیدا کرده است.

واژگان کلیدی: نماد، اسطوره، مفهوم، شیر سنگی، همدان.

۱- مقدمه

تاریخ نشان می‌دهد هر چیزی می‌تواند معنای نمادین داشته باشد، در حقیقت تمامی جهان یک نماد بالقوه است انسان برای ملموس کردن باورهای خویش و گاه ابراز عقایدی که در درون وی شکل گرفته‌اند، سعی در بروز آنها به شکل تصویری میکند تا بتواند نمایشی از عمق و درون خود را ارائه دهد. انسان با گرایش طبیعی که به آفرینش نمادها دارد گویی ناخودآگاه، اشیا یا اشکال را تغییر می‌دهد تا حالتی مذهبی و هنری به خود بگیرد (یونگ، ۱۳۸۶: ۳۵۲). سابقه تصویرگری شیر در هنر ایران به عنوان نماد خاص، به پیش از تاریخ عیلام می‌رسد (بیکرمن، ۱۳۸۴: ۵۷). حضور عناصر و نقش‌نامه‌های نمادین یکی از دلایل اعتلای هنرهای تزئینی در طول تاریخ هنر ایران بوده‌است از آنجا که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سنت نقش‌پردازی ایرانی، استفاده از عناصر نمادین بوده، بررسی این نمادها می‌تواند امکانات جدیدی را برای شناخت هنر ایران و ارتباط آن با موضوعات مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و غیره فراهم سازد. با توجه به این که نقوش بازمانده، بروی مهرها و نقش برجسته‌ها و احجام سه بعدی در ایران باستان، یادگارهای باستانی توصیف هنر و فرهنگ و باورهای آن زمان هستند، لزوم کنکاش در زمینه معانی و مفاهیم و تحولات تصویرگری این نمادها روشن است. به این منظور به بررسی مفاهیم نماد شیرسنگی در شهر همدان می‌پردازیم تا به توصیف هنر و فرهنگ و باورها در مورد این نماد در شهر همدان دست‌یابیم. روش مطالعه به- صورت توصیفی- تحلیلی و داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌است. اهداف این نوشتار:

۱- مفاهیم نماد شیرسنگی در همدان چگونه است؟

۲- آیا مفاهیم نماد شیرسنگی در طول تاریخ در همدان تغییر کرده است؟

۱-۱- پیشینه تحقیق

در خصوص بررسی مفاهیم نماد شیرسنگی در همدان تاکنون هیچگونه پژوهش مستقلی صورت نگرفته است اما چند عنوان موضوع مشابه با این تحقیق وجود دارد که به اجمال معرفی خواهم کرد. پرویز ذکایی در مقاله‌ای با عنوان "شیرسنگی نگهبان دیرینه شهر" (۱۳۸۹)، عباس عربزاده در کتاب "همدان دروازه تمدن" (۱۳۸۵)، حسن دل‌زنده در کتاب "استان همدان" (۱۳۷۶) به بررسی تاریخی مختصری از این مجسمه پرداخته‌اند.

۲- بحث

۱-۲- استحال^۱

مطالعه تاریخ نقش‌مایه‌ها، مضامین و گونه‌ها بیانگر جریان مداومی از تسلسل و تنوع بین کهنه و نو است. از این رو تمییز و تمایز فرم‌هایی که حاصل مضامین و گونه‌های موجود و در حال حیات هستند، از آنهایی که برای مضامین نو و بی‌سابقه برگزیده شده‌اند، امری راهبردی محسوب می‌شود. به همین دلیل است که گاه ممکن است مضامین با گونه‌های موجود مستعد تغییر از حالتی کلی یا خاص باشند. که از استحال^۲ کلی یا دگرگونی کلی می‌توان یاد کرد. حال آنکه در مقابل برای مثال تغییرات خاص^۳ را در مضامین و نقش‌مایه‌هایی از هنر، فرم‌ها و مضامین کلاسیک را درون خود احیا کرده‌اند. یکی دیگر از انواع استحال^۴ که به عنوان اصل تطبیق (تمثیل) شناخته شده، در رابطه با کنکاش‌های تطبیقی هنرمندان در گستره هنر قدیم به ویژه در قلمرو آفرینش مضامین نو و بی‌سابقه متجلی گردیده است. بدین مضمون که حقیقتاً در تاریخ نمونه‌های بی‌شماری را می‌توان یافت که هنرمندان نه تنها در زمینه فرم بلکه در زمینه محتوا نیز به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه -البته بیشتر ناآگاهانه- به جستجوی قیاسی در موضوعات قدیمی پرداخته‌اند یا بالعکس گاه در مورد بعضی از موضوعات قدیمی پرداخته‌اند یا بالعکس گاه در مورد بعضی از موضوعات هم می‌توان مشاهده نمود که چنانچه در یک دوره زمانی خاص محل مناسبی برای بازنمایی یک مضمون در کارکرد مشابه قبلی وجود نداشته، آن مضمون یا حداقل برای مدتی مورد بازنمایی واقع نشده یا اساساً هرگز تکرار نشده است.

بحث مهم و کلیدی بعدی در زمینه جابجایی قانده تصویری از مضمونی به مضمون دیگر است که با عنوان ثقل آیکونوگرافیک^۵ در سال ۱۹۶۶ م. توسط یان بیالوستوکی^۵ شناسایی و مطرح شد. آیکونوگرافیک سنتی نه تنها مشابه الگوی اولیه عمل می‌کند، بلکه در کارکرد و انتقال احساس معنوی همچنان مشابه الگوی اولیه می‌باشد. این قاعده را هم‌طراز اصلی به نام topoi در ادبیات کلاسیک دانسته‌اند (عبدی، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۵).

۲-۲- مفاهیم نماد

مفهوم نشانه برای فهم و درک ارتباط انسانی بسیار مهم است و بر اساس درک مذکور می‌توانیم ارتباط را به عنوان استفاده از نشانه‌ها تعرف کنیم. نشانه به معنای فصل مشترک یا ارتباط صورت و معنا است. نماد، نشانه‌ای است که صورت آن به طور اختیاری یا عرفی با معنای آن تداعی می‌شود (هادسن، ۲۰۰۰: ۵-۲) رمزپردازی یا نمادگرایی یک ابزار دانش کهن و قدیمی‌ترین و اصولی‌ترین بیان مفاهیم است. نماد اندیشه را برمی‌انگیزد. انسان را به گستره تفکر بدون گفتار رهنمون می‌شود. در نمادگرایی،

1- Transformation

2- General transformation

3- Specific transformation

4- Iconographic gravity

5- Yan Bialostocki

عینی و ذهنی دارای همگونی و پویایی از پیش انگاشته‌ای است. برخلاف علامت^۱ که یک نشان قراردادی است و در عین و ذهن نسبت به هم بیگانه‌اند (هال، ۱۳۸۰: ۹).

سمبل^۲ در زبان یونانی به معنای نشانه است. در زبان فارسی بر حسب مفاهیم گوناگون آن به نشان، نشانه، کنایه، اشاره، رمز، نمود، نمودگار، نماد، مظهر، جلوه، تمثیل و... برگردانده‌اند. در حقیقت سمبل به مجموعه ایماها و علایمی اطلاق می‌شود که جانشین صور عینی می‌گردند تا مفاهیم پیچیده ذهنی، هر چه واضح‌تر، خلاصه‌تر القا نمایند. معمولاً چیزی را که مظهر یا نمودگار چیز دیگر باشد، سمبل می‌خوانند. همه انسان‌ها دارای تمایلات ذاتی مشابهی برای ساختن سمبل‌های خاصی هستند و این سمبل‌ها خودشان را از طریق شعور ناخودآگاه موجود در افسانه‌ها، روایاها، توهامات و فولکلورها آشکار می‌سازد. ملل مختلف نیز اساطیر گوناگون ساخته‌اند، همانطور که افراد مختلف رویاهای متفاوت دارند. انسان با تمایلی که به سمبل‌سازی دارد. اشیاء و اشکال را به سمبل‌ها تبدیل می‌کند و آنها را هم در مذهب و هم در هنر بصری خود بیان می‌کند (صفاران، ۱۳۸۳: ۸۲-۷۹).

۲-۳- اسطوره

اسطوره صفت و نشان مشخص دوران باستان و نمودار مرحله‌ای ضروری در تکامل ذهن آدمی است (مختاری، ۱۳۶۹: ۲۹). اسطوره عبارت‌است از روایت با جلوه‌ای نمادین درباره ایزدان، امشاسپندان موجودات مافوق طبیعه بطور کلی جهان شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی بکار می‌برد. اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمان ازلی رخ داد و به گونه‌ای نمادین تخیلی و وهم‌انگیز می‌گویند که چگونه چیزی پدید آمده هستی دارد یا از میان خواهد رفت و در نهایت اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی کاوشگر هستی است (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۴۰). اسطوره‌ها بیانگر و منعکس کننده طبیعت آدمی هستند با تمامی نیازها و خواسته‌ها، آرزوها، امیدها و بیم و هراس‌های آن. اسطوره از چگونگی حالات و قیود انسانی پرده برمی‌دارند. اسطوره‌های آفرینش نیاز ریشه‌یابی انسان‌ها را اقلع می‌کنند (روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۱۵). بشر نخستین به دلیل عدم شناخت و تسلط بر طبیعت و نیز ندانستن علل و عوامل وقوع حوادث طبیعی همچون خورشید گرفتگی، زلزله، خشکسالی، رعد و برق، باران، سیل، بهار، زمستان و... دچار ابهام بسیار بوده چون قدرت ابهام و دستیابی به حقیقت را نداشت به ناچار برای تحلیل وقوع این پدیده‌ها اقلع حس جستجوگری خود داستان می‌ساخت و بر اساس برداشتهای نادرست خود برای این داستان‌ها شخصیت‌آفرینی می‌کرد و اکثر این شخصیت‌ها دارای روح انسانی بودند و حتی با ظاهر آدمی نمودار می‌شدند. حفظ این اسطوره‌هاست که سنت‌ها و مفاهیم اجتماعی و گذشته‌های دور را زنده نگه‌داشته و به زبان و فرهنگ کمک کرده است (کرتیس، ۱۳۷۳: ۹۹).

۲-۴- مفهوم نماد شیر

شیر یکی از نمادهای مهری است که از جهات مختلف مرتبط با مهر و آیین میتراسم شده و به عنوان نماد میترا، خورشید و آتش، ابدیت و به عنوان نگهبان در آیین شناخته شده است. در درجه نخست به مثابه نماد میترا در نظر گرفته شده است (قائم مقامی، ۱۳۴۵، ص. ۹۸). قائم مقامی متذکر می‌شود که: در اجتماعات آریایی، شیر مظهر ایزد مهر بوده و چون مهر خود سمبل آریاییان کهن بوده است ملل آن روزی جهان هم شیر را شاخص و نشان آریایی می‌دانسته‌اند که بعدها علامت پادشاهان ایران شد (همان: ۱۱۶). شیر نماد آتش و آتش نیز نماد خورشید و این مسئله که خورشید پاک‌کننده همه چیز است. همان است که آتش همه را در پایان جهان، پاک می‌کند و ناپاکان در آتش می‌سوزند اما نیکان و پارسایان برجا می‌مانند همچنین مارتین ورمارزن درباره شیر با معنای نمادین آتش که از آهن مهرپرستی شکل گرفته این توجیه را می‌آورد که: دو عنصر آب و آتش با یکدیگر مبارزه‌ای مستمر و آشتی‌ناپذیر دارند. به این دلیل سالکانی که در مراحل طی طریق به مقام شیری رسیده‌اند (شیر: سمبل آتش) برای شست‌وشوی بدن خود از آب استفاده نمی‌کنند و به جای آن عسل بکار می‌برند (ورمارزن، ۱۳۸۳: ۷۵).

1 - Signe

2 - Symbol

شیر در ایران مظهر میترا، خورشید، گرما، تابستان، پیروزی، شجاعت، سلطنت، قدرت، نور و آتش هست. شیر در بسیاری از نقوش در ایران به عنوان نیروی شیر شکار می‌شود به عبارت دیگر پادشاهان نبرد با شیر را نماد قدمت و غلبه بر شیر می‌دانستند (جایز، ۱۳۷۵: ۶۱). در آثار هنری مهری باقی مانده نقش شیر فراوان است که گاه در حال خدمتگزاری هستند و گاه در حال اهدای هدایا به حضور میترا بسیار نزدیکند: به قول تناولی، شیر، نگهبان میترا در مذهب میتراپی است و مقام والایی دارد (تناولی، ۱۳۵۶: ۲۳). وجود آثاری از نقوش شیر در حال حمله به حیوانی دیگر که اغلب در سنگ گورها حک یا مجسمه‌های شیری است که در گورستان‌ها قرار داده شده است. نماد شیر در این جا را می‌توان به گونه‌های مختلف ارزیابی کرد:

(۱) مظهر مرگ و نیستی (۲) نماد شجاعت و دلاوری (۳) نمادی از ابدیت و جاودانگی (۴) نشانه محافظ و نگهبان (۵) به علامتی مهری بر فرار مهرپرستانی که به مرحله‌ی شیری رسیده بودند. درباره نماد دلاوری و شهامت در همین حد می‌توان بسنده کرد که شیر سنگی را روی قبر جوانانی که با شهامت و شجاعت کشته می‌شدند کار می‌گذاشتند (همان: ۲۶). اسطوره‌های مربوط به شیر در نواحی متعدد متفاوت است و مردم هر ناحیه به نحوی خاص با آن آشنا هستند. در نزد آنهایی که شیر را به طور افواهی می‌شناسند یا او را در قفس دیده‌اند. ویژگی‌هایش را اغراق‌گونه و پرطمطراق دیده‌اند (وارنر، ۱۳۸۹: ۵۲۱).

۳- روش‌شناسی تحقیق و یافته‌های پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای-اسنادی و به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تطبیق نمونه‌های مختلف شیرسنگی در مناطق مختلف ایران انجام پذیرفته است. قلمرو مکانی پژوهش، کشور ایران، شهر همدان می‌باشد. قلمرو زمانی پژوهش، سال ۱۳۹۷ می‌باشد و قلمرو موضوعی پژوهش، مطالعه ویژگی‌های فرمی و مفهومی شیرسنگی همدان در ایران می‌باشد. چارچوب نظری این پژوهش را رویکرد مطالعه توصیفی، تحلیلی، هنری، فرهنگی و اجتماعی یکی از نمادهای تاریخی در ایران را تشکیل می‌دهد.

به گفته ویلهلم آیلر ۱ قدمت شیرهای سنگی و ریشه آنها و کارگذاشتن آنها بر قبور به مانند «قوچهای سنگی» به دوران کاسی‌ها باز می‌گردد که بین سال‌های (۱۲۰۰-۱۵۰۰ق م) در لرستان می‌زیستند (تناولی ۱۳۸۸: ۱۲۸). شیرهای سنگی در فلات ایران پراکنده هستند. این شیرها در مناطق شمال غربی، جنوب و جنوب غربی، غرب و مرکز فلات ایران قرار دارند شیر سنگی همدان شاید یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های شیر سنگی به صورت حجیم در فرهنگ و تمدن ایرانی است که در تپه هگمتانه کشف و سپس به میدان شیر سنگی همدان انتقال یافت. بنا به روایتی که بر روی پایه شیر سنگی نصب شده، مقصد تاریخی شیر سنگی در (سال ۳۲۴ پ. م) به فرمان اسکندر مقدونی به مناسبت گرمای داشت خاطره دوست و سردار محبوبش هفایسیستون ساخته و برفراز گور او نصب شد. این اثر در مجاورت یکی از دروازه‌های شهر قرار داشت، که به همین خاطر دروازه مذکور را باب‌الاسد می‌خوانده‌اند. به باور عموم شیرسنگی طلسمی بوده برای حفاظت از شهر و دافع سرما و بلا. در سال ۳۱۹ ه. ق که دیلمیان همدان را در تصرف در آوردند دروازه شهر را به کلی تخریب کردند. مرداوید دیلمی قصد داشت یکی از آنها را به ری منتقل کند ولی چون موفق نشد پنجه‌های یکی از شیرها را شکست و دیگری را به طور کامل تخریب کرد. مجسمه آسیب دیده تا (سال ۱۳۲۸ ه. ش) بر روی زمین افتاده بود تا اینکه مهندس سیحون طراح و معمار آرامگاه بوعلی آن را در محل فعلی نصب کرد. در عصر اسلامی، این شیر را محافظی برای شهر و طلسمی بر درد و بیماری تلقی کرده‌اند.

احترام به این مجسمه نگاهبان شهر، روزگار درازی ادامه داشت. اما اکنون شیر سنگی از سوی زنان پیش از همه مورد احترام است. زنان نیازهایی با او به جای می‌آورند، سرش را روغن خوش بو با عسل و یا شیر می‌مالند و سنگ‌های کوچک یا بازمانده‌های خوراکی در جوف‌های ریز و درشت - که در پشت شیر هست - می‌گذارند این رسمی است که مسافرانی چون جکسن از آن آگاهی دارند. (اذکایی ۱۳۸۰: ۲۳۳-۲۶۳). به نظر می‌رسد که مردم و مخصوصاً زنان عقیده دارند که این مجسمه نماد آن‌اهیتاست. به گفته طهوری (۱۳۹۱: ۶۱) شیرهای سنگی در ایران نمادی از نیروی آن‌اهیتا، الهه آب‌ها و باروری بوده‌اند. دوشیزگان جوان در آیین‌های نیایشی از این مجسمه‌ها مراد و فرزندان نیرومند می‌طلبیدند.

این شیر از سنگ سیاه زرفامی تراشیده شده و مهر بزرگی با چانه کاملاً مشخص و آرواره‌های گشوده دارد. در پیشانی‌اش حفره عمیقی دیده می‌شود اما صورتش بر اثر روغن‌هایی که زائران بر سرو رویش می‌مالند سیاه شده است. در پشت آن حفره‌های دیگری وجود دارد که بر اثر فرسایش باران پدید آمده است و شیر پاها را از زیر خود جمع کرده و چمباتمه زده است. سمت راست قسمت عقب شیر کوتاه‌تر از سمت چپ و دم از بین رفته است، اندازه او از سر تا پا حدود سه متر و نیم و قطر سرش نزدیک به یک متر است. احتمال می‌رود که شیر راست نشسته و پاهای جلویی را عمودی قرار داده و اصلاً در حالت نشسته بوده است نه لمیده. به نظر می‌آید این شیر در حالت کلی بسیار به شکل طبیعی شیر نزدیک بوده است. شیر همدان از شیرهای دوره هخامنشی در نقش‌های تخت جمشید، بدین لحاظ متمایز است که شیرهای سر و یال و اندام‌هایشان از قطعات جداگانه تشکیل شده، در صورتی که شیر همدان مجسمه‌ای یک پارچه است. این مجسمه هیچ گونه اجزا جداگانه‌ای ندارد و با آن که ناقص است این ویژگی‌ها به طور کامل در آن هویداست. اما این سبک مجسمه‌سازی از ویژگی‌های هنری یونان مدرسی باستانی است (اذکایی ۱۳۸۰: ۲۳۳-۲۶۳). این شیر سنگی در ابتدا نماد شجاعت و دل‌آوری و بعد از آن نماد نگهبان بوده است سپس به مرکب آن‌هیئت، ایزدبانوی باروری تغییر معنا داده است.

۴- نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث گفته شده چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مجسمه شیرسنگی از جمله نمادها و نشانه‌های کهن سرزمین ایران در شهر همدان است. قدمت شیرهای سنگی و ریشه آنها و کارگذاشتن آنها بر قبور به مانند «قوچهای سنگی» به دوران کاسی‌ها باز می‌گردد که بین سالهای (۱۲۰۰-۱۵۰۰ ق م) در لرستان می‌زیستند. در ابتدا این مجسمه مظهر شجاعت و دل‌آوری و یادبودی بر سر مزار بود و بعد این مجسمه مظهر نگهبان و محافظ در میان مردم شناخته شد و مردم همدان به پیروی از عقاید گذشتگان، این شیر سنگی را وسیله‌ای برای برآورده شدن آرزوها و احیانا طلسمی جهت رفع سرما و فحطی و باطل کننده جادوها می‌شناختند. پس از آن، مردم و مخصوصاً زنان عقیده دارند که این مجسمه نماد آن‌هیئاست و الهه آب‌ها و باروری بوده است. زنان نازا، نذر و نیازهایی به جا می‌آوردند و آرزومند بودند شیر خواهش دل ایشان برآورد و این مفهوم تا دوره‌های متأخرتر جایگاه خود را حفظ کرده است. با توجه به مباحث بالا، مشخص شد که مفاهیم نماد شیرسنگی در طول تاریخ تغییراتی داشته و استحاله در موضوع و مضمون رخ داده است چراکه فرم و صورت همان است ولی مفاهیم و مضامین در ذهن مردمان تغییر کرده است که بیانگر جریان مداومی از تسلسل و تنوع بین کهنه و نو می‌باشد.

منابع

- اسماعیل پور ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، اسطوره بیان نمادین، تهران، انتشارات سروش چاپ اول.
- بیکر من، هینگ و ویلی هانتروو،... (۱۳۸۴)، علم در ایران و شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی زاده، چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- تناولی، پرویز، (۱۳۵۶)، قالیچه‌های شیری فارسی، تهران: بنیاد شهربانو و سازمان جشن هنر.
- جابز، گرتروود، (۱۳۷۰)، سمبل‌ها، ترجمه محمدرضا بقاپور، تهران: نشر مترجم.
- اذکایی، پرویز. (۱۳۸۰). همدان نامه بیست گفتار درباره مادستان. تهران: مادستان
- روزنبرگ، دونار، (۱۳۷۹)، اساطیر جهان، ترجمه عبدالحسین شریفیان، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر.
- صفاران، الیاس و داور، ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، "اساطیر" دروازه شناخت زبان و تمدنها، شماره ۱۱.
- طهوری، نیره، (۱۳۹۱)، ملکوت آینه‌ها، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عبدی، ناهید، (۱۳۹۰)، درآمدی بر آیکونولوژی: نظریه و کاربرد مطالعه موردی، تهران: سخن.
- عززاده، عباس، (۱۳۸۵)، همدان دروازه تمدن، آبادان: نشریه آبادان.
- قائم مقامی، جهانگیر، (۱۳۴۵)، شیر، نقش آن در معتقدات آریایی، مجله بررسی‌های تاریخی، سال اول، شماره ۳.

- کریس، دستاسرخوش، (۱۳۷۳)، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- مختاری، محمد، (۱۳۶۹)، اسطوره زال تبلور، تضاد و وحدت در حماسه حلی، آگاه، چاپ اول.
- ورزمان، مارتین، (۱۳۸۳)، آیین میترا، ترجمه: نادرزاد بزرگ، تهران: نشر چشمه، چاپ پنجم.
- هال، جیمز، (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- یونگ، کارل گوستلو، (۱۳۸۶)، انسان و سمبول‌هایش، محمود سلطانی، چاپ ششم، تهران: نشر جامی.
- Hudson, Grover, 2005, Essential introductory Linguistics, Massachusetts: Black Well Publisher, P121.H746.2005

The study of concepts of symbol of Shirsangy

Abstract

Basal life of cultural and social or ancient communities is revealed their mythology. Mythology that couch the original existence of animals and humans in the cosmos. Symbol is in the direct connection of belief of customs and religion of artist so that interiorize and form the imagination has root in his mind and depths of his spirit and life. The role of lion include consistently containing of deep meanings and concepts of mythology and symbol of various human outstanding nature. This present article has elected symbol of Shirsangy as a advance symbol which is consistently in length of Iranian art history to exhaust haw do it form various concepts of Shiresangy symbol in Hamedan. This research is analytical – descriptive. The related data were collected in library method and then they were studied and the findings of the research revealed that symbol of Shiresangy in Hamedan in length of history at first has the concept of bravery afterwards guard and now it changes to fertility, So the concepts of symbol of Shiresangy in Hamedan has changed in length of the history and transformation has happened in subject and content. That is demonstrative of continuity and variety between old and new.

Keywords: symbol, mythology, concept, Shiresangy, Hamedan.